

شنبه 15 مهر 1396 - 1439 - 17 اکتبر 2017

امضای متمم قانون اساسی توسط محمدعلی شاه قاجار (1286 ش)



امضای متمم قانون اساسی توسط محمدعلی شاه قاجار (1286 ش)

با اوج گیری نهضت مشروطیت ایران و مبارزات همه جانبه مردم و روحانیت، مظفرالدین شاه قاجار مجبور شد تا با خواست مردم موافقت کرده و در چهاردهم مرداد 1285 ش ضمن صدور فرمان مشروطه، دستور تشکیل مجلس شورای ملی را صادر نماید. از آن پس، متن قانون اساسی مشتمل بر 51 اصل با نام نظامنامه سیاسی، تنظیم شد و در 8 دی 1285 به امضای شاه رسید. صرف نظر از ماهیت و محتوای این قانون اساسی که مبتنی بر خواسته های واقعی مردم نبود، اصولاً بدون وقت کافی و با عجله و عمدتاً در جهت مسائل مجلس شورای ملی تدوین شده بود و بسیاری از مسائل مهم و اساسی، و دیگر حقوقی را که در قانون اساسی مطرح می شد، دارا نبود. این قانون بیشتر به آیین نامه مجلس شباهت داشت و تامین کننده نیاز فوری ملت در زمینه به دست گرفتن اختیارات و حقوق سیاسی از طریق تشکیل مجلس شورای ملی بود. از سوی دیگر، روشنگری روحانیت که در صف مقدم نهضت و مبارزات مشروطیت بود، علی رغم کارشکنی های مداوم درباریان و غرب زدگی های فریب خورده، شرایط و جوئی را به وجود آورد که پس از مرگ مظفرالدین شاه، در همان آغاز سلطنت محمد علی میرزا کمیسونی به منظور تهیه متمم قانون اساسی در مجلس شورای ملی تشکیل شد. این کمیسیون که مرکب از پنج نفر بود، متنی را بر اساس قانون اساسی بلژیک و فرانسه و بالکان تهیه کرد که قابل قبول همه نمایندگان مجلس نبود. می توان گفت اگر مقاومت آیت الله شیخ فضل الله نوری در پافشاری بر افزودن ماده ای در متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت پنج تن از علمای طراز اول هر عصر برای جلوگیری از تصویب قوانین مخالف اسلام در مجلس نبود و این ماده به تصویب نمی رسید، متمم قانون اساسی بیش از آن چه که بود، رنگ غربی به خود می گرفت. پس از پایان کار، متمم قانون اساسی در 107 اصل برای امضا تقدیم شاه گردید. محمدعلی شاه، ابتدا در امضای این قانون وقت کشی می کرد اما با درخواست های مکرر مردم از نمایندگان و تلگراف های علمای نجف مبنی بر امضای متمم، سرانجام شاه ناگزیر شد که آن را در پانزدهم مهرماه 1286 ش برابر با 29 شعبان 1325 ق امضا نماید.

برق، بیرق، علم، لواء یا رایت به معنی پرچم از دیرباز مورد استفاده بوده و از آن به عنوان علامت معین شاه، حکمران، فرمانده نیرو و لشکریان استفاده می شده است. اندازه و رنگ بیرق ها از دوران کهن تفاوت های متعددی داشته ولی گزینش رنگ های سه گانه سبز، سفید و قرمز را مربوط به دوران ناصرالدین شاه قاجار دانسته اند. در نهایت در جریان انقلاب مشروطیت این سه رنگ تثبیت شد و از این پرچم برای ساختمان های دولتی و یادمان های سلطنتی، قلعه ها و بنادر و هر آن چه به دولت و سلطنت مربوط بود استفاده می کردند. با تدوین قانون اساسی مشروطه، رنگ پرچم ایران معین گردید که بر اساس اصل پنجم متمم این قانون، رنگ سبز در پرچم ایران به عنوان نشانه دین اسلام و مذهب شیعه و نیز خرمی کشور و صفای روح و باطن؛ رنگ سفید نشان صلح و خواهی، دوستی و آرامش طلبی ملت ایران؛ و قرمز نشان مشروطیت ایران و آمادگی ملت برای دفاع از استقلال و آزادی به قیمت ریخته شدن خون فرزندان خود، به کار رفته است. ابعاد و شکل دقیق پرچم ایران در سال 1336 ش دوباره تعیین شد و تا انقلاب اسلامی ایران بدون تغییر با همان شیر و خورشید و گاهی تاج پهلوی، باقی ماند. پس از انقلاب، نشان پرچم جای خود را به طرحی شبیه به واژه "الله" داد که مانند لاله سرخی است که از خون شهیدان انقلاب سربرآورده و چهار قسمت آن شبیه هلال و جزء قائم میانی، یادآور شمشیر به نشانه قدرت و ایستادگی ملت مسلمان ایران است و مجموعاً کلمه توحید (لا اله الا الله) را تشکیل می دهد. همچنین عبارت "الله اکبر" 22 بار در حاشیه پائین نوار سبز و حاشیه بالای نوار قرمز که نشانه و نماد 22 بهمن 1357، روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران است، تکرار شده است.

کناره گیری عوام فریبانه "رضاخان سردار سپه" از مقام وزارت جنگ (1301 ش)

در واپسین سال های سلطنت سلسله قاجاریه، رضاخان به عنوان وزیر جنگ، خود را والاترین مقام نظامی می دانست و مخالفت احادی را بر نمی تافت. او مدت ها در صدد ادغام نظامیه در قزاق خانه بود ولی با مخالفت دولت های وقت مواجه می شد. در این ایام درگیری های چند منطقه تهران روی داد که به مرگ چند تن انجامید. نمایندگان مجلس که به اقدامات رضاخان سردار سپه بدگمان بودند او را عامل پنهانی این توطئه می شناختند. از این رو برخی نمایندگان مجلس، در گفتارهای خود، سخت بر سردار سپه تاختند. این موضوع برای سردار سپه بسیار گران آمد. به همین علت برای قدرت و نمایی به مخالفان نقشه ای طرح کرد و در نیمه مهر 1301 ش، در سخنرانی مفصل خود در وزارت جنگ، کناره گیری خود را اعلام نمود. پس از این اقدام، از

تدوین تاریخ اسلامی در عهد خلیفه rlm& (ی 16 ق)

در عصر خلیفه rlm& ی دوم برخی از استانداران و برخی از دوراندیشان مدینه لزوم انتخاب تاریخی ویژه برای مسلمانان را به اطلاع خلیفه رسانیدند. عمر بن خطاب که دو سال و نیم از خلافت rlm& اش می گذشت، تصمیم گرفت برای مسلمانان تاریخ ویژه rlm& ای ترتیب دهد. به همین جهت تعدادی از صاحب rlm& نظران مهاجر و انصار را گردآورد و با آنان درباره rlm& ی تدوین تاریخ اسلامی مشورت و گفت rlm& وگو کرد. امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) نیز که در آن جمع حضور داشت، پیشنهاد کرد: به خاطر اهمیت هجرت پیامبر اسلام (ص) از مکه به مدینه rlm& ی منوره، هجرت آن حضرت را مبدأ تاریخ قرار بدهند. غیر از آن حضرت، برخی از حاضران، تولد پیامبر (ص)، برخی سال بعثت آن حضرت و برخی سال رحلت آن حضرت را پیشنهاد کرده بودند. هم rlm& چنین بعضی rlm& ها تاریخ رومی (میلادی) و عده rlm& ای هم تاریخ فارس (فرس قدیم) را پیشنهاد نمودند. ولی عمر بن خطاب پیشنهاد امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) را اصلح دانست و همان را تأیید کرد و بنا گذاشت که هجرت پیامبر (ص) مبدأ تاریخ اسلامی باشد. پس از آن درباره rlm& ی ابتدای سال قمری که از چه ماهی آغاز گردد، گفت rlm& وگو شد. در این rlm& باره هم نظرهای گوناگونی ارائه گردید. برخی به خاطر اهمیت ماه رمضان، ابتدای رمضان را و برخی به خاطر اهمیت حج، اول ذی rlm& حجه را و برخی ماه رجب را که در عصر جاهلیت اهمیت ویژه rlm& ای در نزد عرب rlm& ها داشت و عثمان بن عفان، ماه محرم را به خاطر این که نخستین ماه حرام است، پیشنهاد نمودند. عمر بن خطاب پیشنهاد عثمان را پذیرفت و دستور داد که نخستین ماه سال قمری را از محرم آغاز کنند.

مرگ "توماس رید" فیلسوف اسکاتلندی (1796م)

توماس رید، فیلسوف اسکاتلندی، در 26 آوریل 1710م به دنیا آمد. وی از زمره کسانی به شمار می رفت که اعتقادات انسان را مبتنی بر شهود می rlm& دانست و به عبارتی دیگر، این اعتقادات را نشأت گرفته از دانش و علم ذاتی انسان قلمداد می rlm& کرد. بنابراین وی به علم اکتسابی به عنوان منشأ اعتقادات آدمی، عقیده نداشت. از دیدگاه رید، برخی از عقاید شهودی واقعی و با ارزش عبارتند از: اعتقاد به وجود دنیای خارج، اعتقاد به رابطه علت و معلولی میان پدیده rlm& های مختلف، اعتقاد به وجود یک قانون معین اخلاقی برای بشر و اعتقاد به جاودانگی روح. رید آرای خویش در این باب را در کتاب تحقیق در ذهن بشر براساس عقل سلیم بیان داشته است. توماس رید سرانجام در هفتم اکتبر 1796م، در 86 سالگی درگذشت.

مرگ "توماس رید" فیلسوف اسکاتلندی (1796م)

توماس رید، فیلسوف اسکاتلندی، در 26 آوریل 1710م به دنیا آمد. وی از زمره کسانی به شمار می رفت که اعتقادات انسان را مبتنی بر شهود می rlm& دانست و به عبارتی دیگر، این اعتقادات را نشأت گرفته از دانش و علم ذاتی انسان قلمداد می rlm& کرد. بنابراین وی به علم اکتسابی به عنوان منشأ اعتقادات آدمی، عقیده نداشت. از دیدگاه رید، برخی از عقاید شهودی واقعی و با ارزش عبارتند از: اعتقاد به وجود دنیای خارج، اعتقاد به رابطه علت و معلولی میان پدیده rlm& های مختلف، اعتقاد به وجود یک قانون معین اخلاقی برای بشر و اعتقاد به جاودانگی روح. رید آرای خویش در این باب را در کتاب تحقیق در ذهن بشر براساس عقل سلیم بیان داشته است. توماس رید سرانجام در هفتم اکتبر 1796م، در 86 سالگی درگذشت.

سوی قوای نظامی شورش rlm& هایی در تهران و شهرستان rlm& ها صورت گرفت. این آشوب rlm& ها به دستور رضاخان و به منظور تفهیم این امر به مردم و رهبرانشان بود که قوای نظامی باید فقط با فرماندهی رضاخان اداره شوند و هر مخالفتی با سردار سپه، مخالفت با تمام تشکیلات نظامی تلقی می rlm& شود و باید با خشونت سرکوب گردد. در همین روز، چندین واحد نظامی به رژه در مقابل مجلس و مناطق حساس تهران پرداختند و خواستار بازگشت رضاخان به وزارت جنگ شدند. این حادثه که ماهیت حقیقی رضاخان و نیت خطرناک او را بر سیاستمداران آگاه روشن می rlm& ساخت، سرانجام با بازگشت دوباره به وزارت جنگ و در نهایت اخذ فرمان ریاست کابینه، به میل رضاخان در سوم آبان 1302ش، ادامه یافت.